

زن مسلمان و بحران هویت و معنویت در عصر حاضر

حلیمه حیدری *

چکیده

هویت انسان را می‌توان از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار داد. از دغدغه‌های بزرگ زن مسلمان در عصر حاضر بحران معنویت و هویت اوست. انسانی که دچار بحران معنویت شده باشد، دیگر بحران‌ها نظیر بحران اعتقادی؛ اخلاقی و بحران هویت نیز شامل حال وی خواهد شد. پس بحران هویت در ذیل بحران معنویت اتفاق می‌افتد. زن مسلمان امروز در بحران هویت گرفتار آمده و بزرگ‌ترین چالش‌اش در این عصر همین است؛ قرآن کریم هویت انسانی را شامل کرامت، خلیفه الهی بودن، و امانتدار الهی بودن معرفی می‌کند و می‌گوید که هویت انسانی تحت تأثیر خانواده، تربیت، و وراثت شکل می‌گیرد. پس زن مسلمان اگر بخواهد این هویت دینی را احیاء کند و به ندای قرآن و فطرت پاسخ گوید باید آن هویت دینی و الهی خویش را احیاء کرده به خویشتن، خویش بازگردد.

کلیدواژگان: بحران معنویت، بحران هویت، هویت دینی، زن معاصر.

* دانش پژوه مقطع دکتری رشته تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه مشهد مقدس.

مقدمه

بشر علی‌رغم ظاهری معنویت‌ستیز به حکم آیه فطرت (روم: ۳۰) تشنه معنویت، پاکی و طهارت است. اما در گیرودار مادیت امروز، بشر از این معنویت فطری خویش فاصله گرفته است که باید آن را به کمک حوزه‌های قرآنی و اسلامی باز یافته و ارزش‌های انسانی و الهی خویش را احیاء کند. بدون این فطرت انسان در تاریکی‌های نخوت و بدبختی فرو می‌رود و در بحران‌ها و چالش‌هایی از جمله بحران هویت گرفتار می‌آید. لذا ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع بحران هویت و عوامل ایجاد آن را روشن می‌کند.

مفهوم بحران هویت یا از خود بیگانگی در طول تاریخ با دو بار منفی و مثبت همراه بوده و دو معنا را با خود به همراه داشته؛ معنای مثبت آن که همان از خود بی‌خودشدن در خود والاتر و محوشدن در آن است، که این در عرفان به کارگرفته می‌شود. اما معنای منفی آن خود فراموشی و از خود بیگانگی است؛ ریشه اولیه مسأله از خودبیگانگی را باید در تعالیم ادیان آسمانی جست‌وجو کرد که بیش‌تر از همه به این مسأله آگاهی داده‌اند، این مطلبی که امروزه با نام از خود بیگانگی یا به عبارت صحیح‌تر «باخودبیگانگی» می‌گویند در معارف اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد و از قرآن نیز آغاز می‌شود.

این مقاله به بررسی «چالش‌های زن مسلمان در عصر حاضر» پرداخته است، اما از آن جهت که زن مسلمان در عصر حاضر با چالش‌های فراوان روبروست و از میان همه چالش‌های موجود بحران هویت دینی مهم‌ترین چالشی است که زن مسلمان در این جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، تلاش شده است که این نوع هویت بررسی شود، گرچه در مقاله از باب مقدمه به تعریف بحران معنویت نیز پرداخته شده است، ولی اصل موضوع و محور آن بر بحران هویت دینی است. هویت دینی‌ای که زن مسلمان در این عصر به فراموشی سپرده است و لذا برای بازیابی هویت دینی خود باید اسلام اصیل را احیاء و آموزه‌های دینی را در زندگی خود اجرا کند.

۱- بحران

۱-۱- مفهوم‌شناسی بحران

از واژهٔ بحران معانی متفاوتی ارائه شده است که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم: تاج‌العروس در ذیل این واژه می‌گوید: «بحران لفظی است یونانی به معنای دگرگونی از حالتی به حالت دیگر که یا به مرضی منجر می‌شود و یا به صحت که از اولی به بحران خوب و دومی بحران بد تعبیر می‌شود.» (حسینی‌زبیدی، ۱۳۸۵: ذیل واژه).

برخی گفته‌اند: «پزشکان تغییر ناگهانی که در امراض شدید برای بیماری‌ها ایجاد می‌شود را بحران می‌گویند.» (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۴۶).

همچنین در تعریف دیگری ذکر شده «بحران لفظی یونانی است که در آن تغییر عظیمی است که به یکباره در مرض به وجود می‌آید از مقاومت طبیعت بدن با مرض که یا به سوی صحت کشیده یا به سوی هلاکت» (دهخدا، ۱۳۲۵: ۳۷۹۹).

در معنای لغوی یک امر مشترک وجود دارد و آن انتقال از یک حالت به حالت دیگر است. لذا هر دو معنی منفی و مثبت در بحران خوب یا بد مشترک هستند.

بحران به لحاظ اصطلاح این‌گونه تعریف می‌شود: «به هم‌خوردن تعادل و خروج از حالت طبیعی و انتقال به مرحله‌ای که منجر به دگرگونی شود.» (برزگرشانی، ۱۳۶۸: ۹۸). توجه به یک مطلب اساسی در این معنا مهم است و آن این‌که قبل از زمان بحران، حالتی در فرد وجود دارد به نام مرض و این مریضی زمینه بحران می‌شود، بنابراین در بحران معنوی از قبل زمینه‌ای در فرد و جامعه وجود دارد که این زمینه موجب به وجود آمدن این عارضه می‌شود، نه این‌که به یکباره فرد و جامعه دچار بحران معنوی شوند.

۱-۲- انواع بحران

انسان در زندگی خویش با بحران‌های مختلفی روبروست که مهم‌ترین آن عبارتند از:

الف: بحران اعتقادی

بحران اعتقادی از نگرش مادی به هستی نشأت می‌گیرد که به این گونه افراد ملحدین گفته می‌شود. اینان قائلند، جهان بدون هدف بوده و خلقت را نیز تصادفی می‌دانند. لذا این تفکر و اندیشه، آنان را به ورطه فراموشی انداخته، به شهوات و فساد روی می‌آورد.

ب: بحران اخلاقی

این بحران از آنجایی ناشی می‌شود که انسان در پهنه زندگی اخلاقاً و عملاً مادی شده، فقط به لذت‌های مادی عشق بورزد. لذا در عمل آن‌چنان غرق در خواهش‌های نفسانی و حیوانی می‌گردد که روح و روانش پریشان و در صحنه عمل دچار بحران شدید می‌شود. فرق این بحران با بحران اعتقادی در این است که در بحران اعتقادی انسان از فکر و دردهای روحی به بحران اخلاقی می‌رسد ولی در بحران اخلاقی از عمل در صحنه زندگی بر اثر آلودگی‌ها به بحران فکری و اعتقادی می‌رسد (برزگرشانی، ۱۳۶۸: ۱۰۳).

ج: بحران معنویت

معنویت این‌گونه تعریف می‌شود «امور غیر عادی که با قوای روحانی و فکر و اندیشه انسان سرو کار دارد.» (جوهری، ۱۳۷۰: ۱۷۹).

قاموس المحيط می‌گوید: «معنوی منصوب به معنی است و آنچه را که در لفظ و زبان در آن بهره‌ای نیست و به وسیله قلب شناخته شود و لذا به تفسیر و تأویل که در مقابل لفظ است معنی گفته می‌شود، آنچه که با حواس ظاهری قابل درک نیست را معنی گویند، به اوصاف پسندیده انسان مثل علم و تقوی و اخلاق نکو و کرم، معانی اطلاق می‌شود.» (البستانی، ۱۹۸۷: ۶۴۱).

پس معنای لغوی بحران معنویت یعنی آشفتگی‌ها و دگرگونی‌های روحی و روانی و فکری که آدمی را از حالت تعادل خارج و او را با حیرت و سرگردانی به سمت دگرگونی‌های اساسی و بنیادین که غالباً منجر به نابودی و هلاکت است پیش می‌برد.

اما در معنای اصطلاحی: «یعنی انحراف از فطرت دینی در اثر فروپاشی ارکان و اصول ارزش‌های واقعی انسانی، اعتقادی و دینی که تبعات سوء آن، بروز انواع بیماری‌های روحی و روانی، فکری و اجتماعی است که نتیجه آن سلب آرامش روحی و روانی است و فرد و جامعه را به سمت هلاکت و نابودی و ویرانی سوق می‌دهد.» (برزگرشانی، ۱۳۶۸: ۹۸).

در بحران معنویت، انسان نه تنها روح تشنه‌اش سیراب نمی‌شود که وقتی بر خلاف جریان آموزه‌های دینی و فطری‌اش حرکت کند در انواع آلودگی‌ها و فساد و ناهنجاری‌ها به انواع بیماری‌های اخلاقی و اعتقادی مبتلا شده و آرامش و امنیتش دچار چالشی جدی گشته و انسان در حیرت و سرگردانی فرو خواهد رفت، بدو پیدایش بحران آنجایی است که فرد و جامعه خدا را فراموش کنند. خداوند متعال در قرآن کریم نیز می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ.» (انعام: ۴۴).

این آیه شریفه به سه مرحله از مراحل بحران اشاره دارد که عبارتند از:

الف: آغاز پیدایش بحران؛

ب: حرکت در مسیر بحران که زمینه ساز و بستر تحقق آن؛

ج: مرحله ایجاد بحران؛

۲- بحران معنویت و عوامل مؤثر بر آن

عوامل زیادی در پیدایش بحران معنویت مؤثرند که ما برای اختصار فقط به برخی از آنان

اشاره می‌کنیم:

۲-۱- اعراض از یاد خداوند

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«و هر کس از یاد من روی گردان شود دارای زندگی سخت و پر درد و رنجی خواهد شد.»

(طه: ۱۲۴)

چون غفلت از خدا و فراموشی از او سبب می‌شود آدمی تمام توجه و هدفش دنیا و دنیا پرستی و ماددگیری شود همان شکلی که امروزه بسیاری از زنان مسلمان با آن دست به گریبان هستند، روی آوردن آنان به مادیات و ساختن زندگی‌های آن چنانی در جامعه مسلمان، وقتی این رویکرد را به زندگی داشته باشیم دیگر انسان در این زندگی پر زرق و برق مادی غرق می‌شود و خود را به فراموشی می‌سپارد و کارش به خودکشی می‌انجامد زیرا خود را بی‌هدف و پوچ می‌انگارد.

۲-۲- هوی پرستی

«آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار می‌دهد خداوند چنین کسانی را گمراه ساخته و بر گوش و قلبشان مهر زده و بر چشمشان پرده می‌افکند چه کسی جز خداوند این گروه را هدایت کند؟» (جائیه: ۲۳)

هواپرستی و دنبال خواهش‌های نفسانی رفتن نیز موجب از بین رفتن معنویت و مرگ آن در درون انسان می‌شود وقتی من اختیار خویش را به نفس دادم دیگر در بند خود نیستم و دنبال نفس می‌روم به جای اینکه او را مهار کنم، نفس انسان باعث به منجلاب کشیده شدن انسان می‌شود، دیگر دین و خدا برای او ارزش نخواهد داشت آنچه برای او مهم است، شهوت است و نفس. آیا زن امروز این را الگوی خویش قرار نداده است. این رابطه‌های نامشروعی که برقرار می‌شود، دوستی‌های فراوان قبل از ازدواج، دوستی‌های نافرجام در دوران تحصیل و... ناشی از چیست؟ ناشی از همین عدم معنویت در زندگی است که زن با داشتن همسر و فرزندان با دیگری نیز رابطه برقرار کرده و زندگی خود را به فراموشی می‌سپارد.

۲-۳- دشمنان

«مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیین تان برگردانند. (بقره: ۲۱۷)

این آیه اشاره به جنگ فرهنگی دشمن و رویارویی جبهه باطل علیه حق دارد که آنان پیوسته با شما جنگ و کارزار می‌کنند، تا شما را از دینتان برگردانند و از آنچه در توان دارند، کوتاهی نمی‌کنند. حتی با استفاده از ابزار و سلاح جنگی، یعنی دشمن برای اینکه ایمان را از

پای درآورد گاهی با تطمیع وارد می‌شود و گاهی ابزار تهدید و خشونت، اینان اگر بر شما مؤمنان مسلط شوند شما را مثل خودشان بی‌ایمان و فاسد می‌کنند و آنگاه شما هرگز روی رستگاری و سعادت را نخواهید دید.

یکی از دشمنانی که قرآن به آن اشاره دارد، شیطان است که فرد را با وسوسه‌های خویش تطمیع کرده و انسان را به فحشاء و منکر و انواع فسادهای اخلاقی و اجتماعی می‌کشد. امروز دقیقاً همان بلایی که قرآن می‌گوید بر سر زن مسلمان آمده است، امروز زن مسلمان برهنه شده است، اولین کسی که برهنگی ایجاد کرد و تمام تلاش خود را در این مورد به کار برد شیطان است، هدفش عریان شدن انسان و بردن آبروی اوست، امروز به هر طریقی برهنگی را ترویج می‌کنند، در قالب لباس، فیلم، سینما، انیمیشن، و همچنین زنانی که در انظار، برهنه و یا نیمه برهنه ظاهر می‌شوند.

امروز زن مسلمان عروسکی شده که نجابتش را به حراج گذاشته است و می‌توان گفت که تا حدودی دشمن در برنامه خود موفق شده است؛ آن‌ها عقیده دارند که اگر بخواهیم جامعه‌ای را به ابتذال بکشند، باید از زنان شروع کنند. امروز همان اتفاق ناخوشایند در حال افتادن است. امروز زن را با شعارهای شیرینی مانند فمینیسم از کانون امنیت خانواده خارج کرده و در جامعه‌ای پر آشوب و ناامن رهایش ساخته‌اند و تمام بهره‌ها را از او می‌کشند و او هیچ اختیاری از خود ندارد. (محمدی‌نیا، ۱۳۸۴: ۵۰).

اینها مهم‌ترین عوامل بحران معنویت است که انسان و زن مسلمان امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

۳- بحران هویت

در اینجا می‌توان گفت که بحران هویت ناشی شده از بحران معنویت است؛ یعنی انسان هنگامی که به بحران معنویت دچار گردد به تبع آن دچار بحران هویت می‌گردد. هویت در لغت به معناهای مختلفی گرفته‌اند و رایج‌ترین معنای آن ذات، هستی و وجود است؛ همچنین حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد و یا آن چه شیئیت شیء با آن است را هویت گویند» (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸).

و در اصطلاح وقتی انسان در سیر اصالت‌های فطری خویش سیر ننماید و به ندای فطرت خویش پاسخ ندهد از اصالت‌های ذاتی و جوهری خود منحرف شده و ثبات شخصیت وی دچار اختلال گشته که به اصطلاح آن را بحران هویت می‌نامند. (برزگرشانی، ۱۳۶۸: ۱۰۶).

همان‌طور که در ابتدای بحث نیز اشاره شد بحران هویت از مهم‌ترین بحران‌هایی است که انسان امروز بویژه زن مسلمان با آن روبروست، بنابراین به بررسی بحران هویت می‌پردازیم.

۴- هویت دینی

هویت اقسامی دارد که عبارتند از: هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و هویت دینی.

از تعریف تک‌تک این هویت‌ها به دلیل اطالۀ کلام خودداری می‌کنیم، اما از بین هویت‌های یاد شده به دلیل اهمیت هویت دینی به بحث از این هویت می‌پردازیم.

هویت دینی هویتی است فطری که از رابطه و تمایل، حس و تعلق آدمی به دین بدست می‌آید و پدیده‌ای است که در پی ارتباط با خدا و عمل به آموزه‌های دینی در وجود انسان بدست می‌آید.

در اینجا به این امر اشاره می‌شود که امروز گمشده زن مسلمان در جامعه همین هویت دینی است. زن امروز هویت انسانی خود را به عنوان زن داراست، اما آنچه را که از خود دور کرده هویت دینی اوست که اگر آن را احیاء کند به مرتبت و درجه‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته خواهد رسید؛ مشکلات عصر امروز و زن از کم رنگ شدن دین در زندگی‌ها و یا حضورنداشتن دین در همه عرصه‌های زندگی ناشی می‌شود. دین نقشی بنیادین در ایجاد دست‌یابی به دیگر ابعاد هویتی است؛ زیرا انسان با تکیه بر خداوند به عنوان تنهاترین تکیه‌گاه آرامش‌بخش و پذیرش دین و عمل به دستورات آن به عنوان برنامه‌ای که همه دستورات اساسی زندگی را برای انسان به همراه دارد، می‌تواند هویت دینی خود را به دست آورد و به زندگی خود هدف و جهت ببخشد و آن خود واقعی خویش را کشف کند.

این نشان‌دهنده نقش اساسی دین در زندگی بشر است که اگر دین نقشی در زندگی و هویت انسان نداشت چرا مستکبران عالم سعی در حذف دین از حیات بشری را داشته و با تمام

۶۰.

توان خود سعی بر دور کردن جوانان از دامن دین را دارند. انسان در سایه هویت دینی هویت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خود را از تهاجمات مختلف دشمن حفظ می‌کند. (برزگرشانی، ۱۳۶۸:

۵- عوامل مؤثر در شکوفایی هویت انسان

در شکوفایی هویت انسان دو عامل نقش بنیادین دارند که عبارتند از:

۵-۱- خانواده

خانواده اولین نهادی است که فرزند در آن چشم می‌گشاید و در آن به بلوغ و تکامل می‌رسد. تأثیر این عامل به حدی قوی است که عوامل دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت این مسئله به حدی جدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر مولودی بر فطرت خدا خواهی به دنیا می‌آید و این والدین آن‌ها هستند که او را یهودی و نصرانی و یا مجوسی می‌کنند.» (کلینی، ۱۴۳۹: ۳۵).

خانواده اولین نهاد تربیتی انسان است، نقش تربیت نیز در هویت‌دهی به انسان بسیار مهم است که در اسلام این نوع هویت از مرحله قبل از تولد آغاز می‌شود، اهمیت نوع مواد غذایی، از حیث پاکی و حلال و حرام بودن،... در هویت‌بخشی او مؤثر است، و بعد از تولد نیز درس‌های ردیلت و فضیلت را در دامن پدر و مادر می‌آموزد و همچنین انتخاب نام نیکو در باروری هویت او تأثیرگذار است.

بنابراین فرزند مرحله به مرحله باید با باورها و اعتقادات دینی سروکار داشته باشد. در اینجا این مطلب را بیان می‌کنیم که زن نیز به عنوان فرزند خانواده، تربیت و وراثت خانواده در هویت‌دهی دینی او مؤثر است. چه خانواده‌هایی امروز در جوامع اسلامی وجود دارند که فقط فرزندان خود را از لحاظ مادی تأمین می‌کنند ولی از لحاظ معنویت و دین به داد بچه‌ها نمی‌رسند و یادی از آن‌ها نمی‌کنند و اگر دختر و زنی در چنین جامعه‌ای قرار گیرند، خودیّت خود را فراموش می‌کند و در قالب‌های غیر دینی ظاهر گشته و هویت دینی را فراموش می‌کند؛ این مقدمات را بیان داشتیم تا بدین‌جا برسیم که زن مسلمان در بحران شدید دینی واقع شده

است و آن شخصیت و هویت دینی نابی را که جز در اسلام در هیچ دینی و آئینی به زن عطا نشده است را دست‌آویز هوی و هوس خویش قرار داده است.

۵-۲- وراثت

یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری هویت انسان وراثت است. وراثت را این‌طور تعریف کرده‌اند که: «انتقال صفات، خصوصیات جسمانی و روانی، حالات و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری از پدر و مادر و یا خویشاوندان و اجداد به نسل‌های بعدی است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۵). قرآن نیز در آیاتش به اهمیت این مسأله اشاره دارد از جمله در این آیه شریفه که می‌فرماید: «خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد آن‌ها دودمانی بودند که از نظر پاکی و تقوا و فضیلت بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست.» (آل عمران: ۳۳ تا ۳۴).

نقش وراثت صالحه را بیان می‌کند که پیامبران از این شجره به ظهور رسیدند و این نتیجه وراثت صالح است. البته بحث وراثت می‌تواند تحت تأثیر دیگر عوامل کم‌رنگ یا خنثی گردد. شاید کسی بگوید محیط هم می‌تواند عاملی مؤثر در هویت‌بخشی به شخص باشد، در پاسخ می‌توان گفت که تأثیر خانواده و وراثت بیش از محیط است و گاهی نوع تربیت در خانواده جلوی فساد و تأثیر‌گذاری جامعه بر فرد را می‌گیرد.

قرآن نیز به عنوان کتاب دینی مسلمانان شاخص‌هایی را برای هویت دینی انسان ارائه می‌دهد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۶- شاخصه‌های هویت انسان در قرآن

۱-۶- خلافت الهی

خلیفه و خلافت از ریشه «خلف» به معنای پشت سر گرفته شده و به معنای جانشین است. اصل معنای خلافت نشستن چیزی جای چیز دیگر است. جانشین گاه در امور حسّی است «او کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد.» (فرقان: ۶۲).

گاه در امور اعتباری به کار می رود؛ «ای داود ما تورا خلیفه در روی زمین قرار دادیم پس بین مردم داوری کن.» (ص: ۲۶).

و گاه در امور طبیعی به کار می رود؛ «من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.» (بقره: ۳۰)

و این خلافتی که خدا در قرآن به انسان عطا کرده همین خلافت حقیقی و اصلی است؛ ویژگی خلیفه آئینه تمام‌نمای مستخلف‌عنه بودن است و مقصود از این خلافت این است که انسان در تمام شئون فاعلی و وجودی خود نشان‌دهنده صفات و کمالات خداوند باشد. بنابراین خلافت الهی از محکم‌ترین بناهای هویتی انسان است و حداقل این خلافت، این است که انسان امیر بر نفس خود باشد. (سبحانی، ۱۳۶۴: ۲۴۵).

۲-۶- امانت‌دار الهی بودن

از دیگر شاخصه‌های انسانی، امانت‌دار بودن انسان است در آیات نیز به این مطلب اشاره شده که آن امانتی را که آسمان‌ها و زمین از پذیرش آن امتناع ورزیدند، انسان آن را پذیرفت: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین، کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر باز زدند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود.» (احزاب: ۷۲).

پذیرش این امانت از امتیازات انسان است، امانت الهی همان قابلیت تکامل و رسیدن به مقام انسان کامل و اخلاص و پذیرش ولایت الهیه است؛ پس می‌توان آن را از بناهای هویتی انسانی به شمار آورد، پس می‌گوییم که اگر انسان به وظیفه الهی خود در مقابل این امانت انجام دهد موفق به کسب هویتش خواهد شد. (سبحانی، ۱۳۶۴: ۲۸۵).

۳-۶- کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنای بزرگواری شدن، شرافت و حرمت داشتن است (لسان العرب، ابن منظور، ۷۵) در اصطلاح «کراهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی را کرامت گویند.» (جواد آملی، ۱۳۷۲: ۲۱ تا ۲۳).

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ما بنی آدم را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌ها دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم، برتری بخشیدیم...» (اسراء: ۷۰)

کرامت به همه انسان‌ها ارزانی شده و انسان ذاتاً خود کریم است. بخشی از قوام هویت انسان به حس کرامت نفس او بازمی‌گردد، به این نحو که میزان انسانیت انسان وابسته به دوری او از هرگونه زشتی است در نتیجه هویت انسان از استواری بیشتری برخوردار است. انسان اگر حس کرامت نفس خود را حفظ کند تن به زبونی و عجز نمی‌دهد و گناه در نظرش پست و بی‌ارزش می‌گردد معصوم می‌فرماید: «کسی که در خود احساس کرامت کند هرگز آن را با ارتکاب به گناه پست نمی‌کند.» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۱).

از این سه بحث می‌توان نتیجه گرفت که اگر زن مسلمان امروز این سه شاخصه را در وجود خود رعایت کند هیچگاه هویت انسانی و دینی خود را از دست نخواهد داد.

۷- زن و بحران هویت دینی

تلاش برای حفظ هویت دینی یکی از مسائل مطرح شده در شریعت اسلام است و زنان مسلمان حتی در شرایط مناسب دست از این نکشیدند، در هر جا که سخن از حفظ هویت دینی بوده است در آنجا زن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و حتی می‌توان اشاره کرد که زن با رشادت‌ها و شایستگی‌هایش توانسته در طول تاریخ در نقش یک زن مبلغه و مروج دین مبین اسلام ظاهر شود.

زن مسلمان به اثبات رسانده که در حفظ هویت دینی خویش نقش بسزایی داشته است. تأثیر و نفوذ زن آن قدر مهم بوده که حتی توانسته‌اند فرقه یا قومی را هدایت سازند. برای نمونه می‌توان به زنان موربی اشاره کرد که با اینکه قدرت سیاسی و نظام استعمارگری در آن کشور حرف اول را می‌زند اما این زنان و دختران مسلمان موربی هنوز هم آن هویت دینی و اصیل خود را حفظ کرده و پایبند به اصول و مقدسات اسلامی بوده که این از شاخصه‌های بارز آن‌هاست (رضوی، ۱۳۸۶: ۱۸).

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«زنان دارای ابعادی مختلف مانند مردان هستند، زنان دارای کرامت‌اند... در جوامع غربی تمام ابعاد وجوه زندگی انسان تسخیر شده و تحت حاکمیت نظام سرمایه‌داری قرار گرفته است. زن در این نظام کالایی تجاری است و ابزاری در دست سودجویان، زن به موجودی بدل شده است که نظام سرمایه‌داری با استفاده از او به تکاثر ثروت رسیده، غرب بر اساس بینش مادیگرانه، ارزش و شخصیت زن را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند. ولی شاخصه‌ها و هدف‌های تعیین‌کننده جایگاه زن در جوامع اسلامی بر جهان‌بینی توحیدی بنا شده و اصولاً با آنچه در غرب می‌گذرد متفاوت است. آنچه به نقش و جایگاه زن در جامعه اسلامی هویت و معنا می‌بخشد، فعالیت‌های مادی و اقتصادی به معنای غربی آن نیست.» (صفری، ۱۳۷۴: ۳۸).

در این سخن امام خمینی علیه السلام نیز اشاره به آن هویت دینی زن دارد که جوامع اسلامی به زن داده است. اسلام، زن را در سایهٔ حجاب و سایر فضائل به صحنه آورد تا معلم عاطفه و رقت، درمان و صفا و مانند آن باشد، دنیای کنونی حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان البسه به بازار بیاید و گزینه شهوانی را تأمین کند، زن وقتی با سرمایهٔ غریزه به جامعه آید، دیگر معلم عاطفه و درمان نیست، در این زمان شهوت دستور می‌دهد و شهوت جز کوری و کری‌چیزی به همراه ندارد، لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید ولی باحجاب یعنی بیاید درس عاطفه و عفت دهد نه شهوت و غریزه، یعنی زن با هویت دینی به میدان بیاید نه با هویت غربی ولی امروز متأسفانه زن مسلمان هویت دینی را به هویت غریزه داده است (صفری، ۱۳۷۴: ۳۸).

امروز زن مسلمان می‌توانست الگوی بارز در جهان باشد و این جایگاه را برای خود حفظ کند و به جای اینکه دختران و زنان شیعه و مسلمان ما شیفتهٔ دختران و زنان غربی شوند آن‌ها را مجذوب خود کنند.

علت اینکه زن مسلمان امروز الگوی خود را دختر غربی و حجاب او را حجاب خویش قرار داده، دوری جامعه مسلمانان از آن اسلام اصل است. حجاب یک نوع هویت‌دهی دینی به

زن مسلمان است. امروز اگر دنیای استکبار درصدد حجاب‌زدائی از زن مسلمان است، می‌خواهد هویت‌زدایی دینی کرده و آن هویت اصیل را از مسلمان بگیرد.

اسلام خود ضامن سعادت زن است نه تنها او را از انسانیت ساقط نکرده که کاملاً او را بالا برده و تاج کرامت بر سر او نهاده است. پس تنها راه چاره برای اینکه زن مسلمان به آن جایگاه حقیقی خود بازگردد این است که به اسلام اصیل باز گردد و حقوقی را که اسلام به او داده به او بدهیم، و تکالیفی که از او خواسته از او بخواهیم، نه اینکه هواهای نفسانی و عقده‌های روانی را به نام دین بر او اعمال کنیم (صدر، ۱۳۷۹: ۵۹ و خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۴۸ تا ۳۶).

بنابراین دردنیای امروز که زن به عنوان یک سرمایه سوداگری می‌شود، جا دارد که زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلام، ارزش‌گذاری‌هایی که اسلام نموده، و با دقت در خطوطی که در نظام اسلام برای پیشرفت زنان و مردان پیش‌بینی کرده است، هویت خود را بازبانی کند. اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم می‌کرد، ایستادگی کرد و در سه عرصه بر زن ارزش‌گذاری نمود، در میدان معنویت، که در اینجا باز هم زن پیشگام بوده است، در میدان سیاست و خانواده که مرد مؤظف است زن را مانند گلی مراقبت کند که می‌فرماید: «المرأه ریحانه لیست بقهرمانه» این نظر اسلام است. پس وظیفه زن مسلمان این است که هویت اسلامی خویش را زنده کند، هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می‌کند، باید در ارزش‌های معنوی، مثل علم و عبادت... پیشروی کند و هم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ایستادگی و صبر و مقاومت نماید.

سخن از بحران بود و انواع بحران‌ها، برای از بین بردن این بحران‌ها چه باید کرد، قرآن راهکارهای زیادی برای برون رفت از بحران‌ها ارائه می‌دهد که همه آن‌ها به یک نقطه کانونی بازمی‌گردند که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم:

۱- راهکار قرآن برای مقابله با بحران هویت دینی

قرآن در اولین و مهم‌ترین گام همه بشریت را مورد خطاب قرار داده و همگی را به دایره عبودیت و بندگی خدا دعوت می‌نماید. و بالاترین مصداق عبودیت نماز است که قرآن کریم

می‌گوید: «آنچه از کتاب به تو وحی شد تلاوت کن و نماز آدمی را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و ذکر و یاد الهی بزرگتر است و خدا می‌داند آنچه را شما به جا می‌آورید.» (عنکبوت: ۴۵) این آیه می‌فرماید نماز را بر پا دارید چرا که نماز دو اثر مهم دارد:

الف: از فحشا و منکرات باز می‌دارد .

ب: یاد الهی که روح عبادت و نماز است، این یاد خدا در نماز مهم‌تر و بزرگ‌تر از اثر اولی است و چیزی که می‌تواند جلوی بحران معنویت را بگیرد همین نماز است.

اگر یاد خدا در زندگی‌های امروز جریان داشته باشد، معنویت در آن زندگی وارد می‌شود و این در وهله اول وظیفه زن به عنوان کانون دار خانواده و هسته مرکزی آن است. بنابراین زن هم می‌تواند خود را بسازد و هم خانواده و جامعه را بنابراین این روح معنویت و یاد خدا باید در زندگی زن جریان داشته باشد که به بحران معنویت دچار نگردد و تنها راه دستیابی به ارزش معنوی یاد خداست که خداوند نیز می‌فرماید: «که دلها به یاد خدا آرامش می‌یابد».

و جالب این است که بقیه راهکار به همین راهکار برمی‌گردد یعنی عبودیت و نماز و یاد خدا، مثلاً گناه زدائی باز به همین عامل بازمی‌گردد. پس برای حفظ خود، خانواده و جامعه باید روح نماز و معنویت و عبودیت را در آن‌ها نهادینه سازیم تا جامعه‌ای پاک و سرشار از معنویت داشته باشد.

نتیجه

هویت همان ثبات شخصیت انسانیت است. انسان هویت‌های مختلفی داراست که مهم‌ترین آن هویت دینی است و زن مسلمان امروز به شدت با بحران هویت دینی روبروست. عوامل مختلفی در ایجاد هویت دینی مؤثرند که می‌توان به خانواده و وراثت به عنوان دو عامل مهم و تعیین‌کننده نگریست، قرآن نیز برای بازیابی این هویت راهکار عبودیت و برگشتن به دایره بندگی را پیشنهاد می‌دهد، بنابراین زن مسلمان با هوشیاری و بازگشت به اصالت خویش به مبارزه با این بحران بپردازد تا با ایجاد جامعه و خانواده‌ای سالم بستر ساز ظهور امام زمان علیه السلام باشد.

- لسان العرب، ابن منظور، ج ۴، قم: ادب الحوزه، ۱۳۶۳.
- بحران معنویت و راهکارهای هدایتی قرآنی، برزگرشانی، یعقوب، مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۶۸.
- محیط المحيط قاموس مطول اللغة العربیه، البستانی، بطرس، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۷م، ص ۶۴۱.
- غررالحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، مصحح: رجائی، سیدمهدی، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱جلدی، ۱۴۱۰.
- کرامت در قرآن، جواد آملی، عبدالله، چاپ سوم، تهران: رجاء، ۱۳۷۲.
- صاحب اللغة، جوهری، تهران: بی نا، ج ۲، ۱۳۷۰.
- وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹.
- تاج العروس فی جواهر القاموس، حسینی زبیدی، سیدمحمد مرتضی، بیروت: دارالهدایه، ۱۳۸۵.
- لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۲۵.
- بهشت جوانان، سبط اکبر، ر.ک به محمدی نیا، اسدالله، چاپ نوزدهم، زمستان ۱۳۸۴.
- زن و اجتماع، رضوی، لطیف، تهران: بعثت، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- منشور جاوید، سبحانی، جعفر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۴.
- زن در اسلام، صدر، بنت الهدی، سیدمشتاق الحو، عابر، چاپ اول تابستان ۷۹؛ و همچنین ر.ک، سیدعلی خامنه‌ای، حقوق زن و چگونگی احیاء آن به ضمیمه هویت زن مسلمان، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی دینی زنان، قم، مدیریت پژوهشی جامعه الزهراء، ۱۳۷۹.
- الگوی اجتماعی و پایگاه نقش زن مسلمان، صفری، فاطمه، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۷۴.
- کافی، کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۵جلدی، ج ۳، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- فرهنگ معین، معین، محمد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.